

# سیاستهای حمایتی و اثر آن بر متغیرهای

## اقتصادی

عباس رحیمی

### روند اتخاذ سیاستهای حمایتی

با نگرشی بر چگونگی تحول تئوریهای تجارت بین‌الملل، جایگاه سیاستهای حمایتی در مجموعه سیاستهای بازرگانی کشورهای بهتر مشخص می‌گردد.

در قرن هجدهم تجارت بین‌الملل را می‌توان تحت تأثیر افکار مرکانتلیست‌ها دانست. آنها اعتقاد داشتند که برای افزایش ثروت دولتها می‌باید سعی کنند تا واردات را کاهش و صادرات را افزایش دهند و به نوعی سرمایه‌داری تجاری را تبلیغ می‌کردند. آنها بدست آوردن هر چه بیشتر مسکوکات بهادار را عامل ثروت یک کشور می‌دانستند.

دولت با ایجاد انحصار در واردات به نفع گروهی از تاجران و صنعت‌گران داخلی، سبب می‌شد تا سود سرشاری نصیب آنان گردد و به منظور صادرات بیشتر تسهیلاتی برای ورود مواد اولیه قائل می‌گشت. در این برهه از زمان به نوعی سیاستهای حمایتی وجود داشت.

در اواخر قرن هجدهم با تحولات سریع صنعتی در غرب، آدام اسمیت -بنیانگذار اقتصاد بازار- با انتشار کتاب "ثروت ملل" انتقاد شدیدی به افکار مرکانتلیست‌ها وارد نمود. او تجارت آزاد را موتور رشد اقتصادی دانست و معتقد بود که تنها آن دسته از ملل، رشد اقتصادی خواهند داشت که شرایط تجارت آزاد را بپذیرند. اسمیت دلیل تجارت را مزیت مطلق هر

کشور دانسته، اما در مورد نحوه مبادله، بحث زیادی را به عمل نیاورده است و تنها ذکر می‌کند که برای توسعه اقتصادی بایستی درهای کشور بر روی کالاها و خدمات تولیدی دیگران باز باشد تا بدین وسیله با کالاهای جدید آشنا شده و در صورت تولید، کیفیت تولید داخلی افزایش یابد و از سوی دیگر نفع اقتصادی خود را با در اختیار گرفتن بهترین کالا (از نظر کیفیت و قیمت) به حداکثر برساند.

---

رشد زیاد جمعیت و ناهمگونی در تقسیم بازارهای فروش و تهیه مواد اولیه بین کشورهای پیشرفته اروپا سبب ایجاد توزیع ناعادلانه درآمد، نابرابریهای منطقه‌ای و فقر عمومی شده بود، به همین دلیل نظریه‌های خوشبینانه آدام اسمیت در مورد "تجارت به مثابه رشد اقتصادی" اعتبار خود را از دست داد.

---

پس از اسمیت، اقتصاددان دیگر کلاسیک، دیوید ریکاردو با طرح نظریه مزیت نسبی سعی نمود تا تنگناهای نظری مزیت مطلق را پاسخ گوید. گرچه ریکاردو فروضات واقعی تری را در مورد علل تجارت بین کشورها مطرح می‌ساخت اما در مورد نقش دولت در سیاستگذاری بازرگانی، اعتقاد داشت که دولت

نمی‌بایستی در جریان اقتصاد دخالتی داشته باشد و این رقابت آزاد است که اقتصاد را خود به خود در شرایط تعادل قرار می‌دهد. کشورهای پیشروی صنعتی در اوائل قرن نوزدهم (بخصوص انگلستان و فرانسه) با تکیه بر نظریه تجارت آزاد توانستند شکوفایی زیادی در اقتصادهای خود بوجود آورند. اما توسعه اقتصادی مداوم و موزون کشورهای اروپای غربی در قرن نوزدهم به تدریج جای خود را به رشد ناهمگون اقتصادی داد، بیکاری به عنوان یک پدیده کاملاً مشهود درآمد و رشد زیاد جمعیت و ناهمگونی در تقسیم بازارهای فروش و تهیه مواد اولیه، بین کشورهای پیشرفته اروپا سبب ایجاد توزیع ناعادلانه درآمد، نابرابریهای منطقه‌ای و فقر عمومی شد. به همین دلیل نظریه‌های خوشبینانه آدام اسمیت در مورد "تجارت آزاد مشابه رشد اقتصادی" اعتبار خود را از دست داد.

با گسترش و تجهیز سرمایه در کشورهای اروپایی، نرخ بازده آن کاهش یافت و این کشورها نیاز هر چه بیشتری به بازارهای صادراتی گسترده پیدا کردند و همین امر عامل تضاد منافع بین کشورهای صنعتی آن روز گردید که می‌توان نتیجه تشدید آن را بروز جنگهای جهانی اول و دوم دانست. نئوکلاسیکها در برخورد با واقعیات

مرحله چهارم شد (مرحله صنعتی کردن اقتصاد ملی)، اعمال سیاستهای حمایتی ضروری است.

زمانی که مرحله چهارم به پایان رسید و اقتصاد در شرایط مناسبتری قرار گرفت، سیاستهای حمایتی بایستی برداشته شود.

بحث لیست در مورد صنایع نوزاد، در حقیقت یک سیاست موقتی و محدود در توسعه بخش صنعت است و اصولاً تولید محصولات کشاورزی را در بر نمی‌گیرد.

امروزه محدودیتهای تجاری، یکی از شیوه‌های رایج سیاستگذاری تجاری کشورها می‌باشد. از عمده‌ترین دلایل حمایت می‌توان به بهبودی نرخ مبادله، حمایت از صنایع نوزاد، ایجاد اشتغال، جلوگیری از دامپینگ و بهبودی موازنه تراز پرداختها..... اشاره نمود. سیاستهای حمایتی به طور کلی به دو دسته: سیاستهای تعرفه‌ای و سیاستهای غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌گردند. امروزه در تجارت بین الملل ثابت گردیده است که تعرفه تحت شرایطی به کشور وضع کنند نفع می‌رساند<sup>(۱)</sup> و اقتصاددانان سعی می‌کنند نرخ تعرفه بهینه را محاسبه کنند، زیرا معتقدند وضع تعرفه

اقتصادی، اجتماعی این دوره، در نظریه تجارت بین‌الملل، دیدگاه خود را در باره نقش دولت تاحدودی تعدیل کردند و به تدریج سیاستهای بازرگانی وارد ادبیات اقتصادی گردید. در مورد نقش دولت در سیاست‌گذاری بازرگانی، اقتصاد دانانی از جمله الکساندرهایملتون در آمریکا و فردریک لیست در آلمان بحث حمایت از صنایع نوزاد را مطرح کردند فردریک لیست شرایط اقتصادی آلمان را در نظر داشت. در آن زمان (قرن نوزدهم) آلمان از نظر صنعتی از بریتانیا ضعیف‌تر بود و صنایع آلمان با مشکلاتی در زمینه رقابت با صنایع بریتانیا روبرو بودند. لیست معتقد بود هر ملتی در مسیر توسعه از پنج مرحله عبور می‌کند:

۱- دوران وحشیگری و بربریت

۲- زندگی شبانی

۳- کشاورزی

۴- کشاورزی - صنعتی

۵- کشاورزی صنعتی و تجاری

او معتقد بود که نظام معادلات تجاری آزاد می‌تواند تنها در سه مرحله اول وجود داشته باشد، ولی هنگامی که اقتصاد وارد

(۱) - برای اینکه یک کشور همواره از وضع تعرفه نفع ببرد باید دارای شرایطی باشد از جمله :

حقوق گمرکی (تعرفه) خیلی زیاد نباشد، کشور وضع کننده تعرفه دارای قدرت انحصاری باشد، سایر کشورها با وضع تعرفه تلافی نکنند. برای

## جدول (۱): برآورد هزینه حمایتگری در ایالات متحده

واحد دلار آمریکا

نام صنعت	هزینه حفظ هر واحد شغلی
اتومبیل	۱۰۵/۰۰۰
تولید کتاب	۱۰۰/۰۰۰
فرآورده‌های شیر	۲۲۰/۰۰۰
فولاد	۷۵۰/۰۰۰
شکر	۶۰/۰۰۰
منسوجات	۴۲/۰۰۰

ماخذ: احمد اخوی، اقتصاد کلان کاربردی، (تهران: موسسه

مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شهریور ۷۱)، ص ۱۱۱.

### (۱) - مطالعات تجربی بلابالاسا

حاصل مطالعات تجربی بلابالاسا در کتاب استراتژیهای توسعه در کشورهای نیمه صنعتی به تفصیل آمده است. در این کتاب ابتدا به کمی کردن اقدامهای انگیزشی و برآورد شاخصهای مربوط به انگیزشها و مشکلات مفهومی و عملی برآورد کردن آنها اختصاص دارد. سپس به برآوردهای مربوط به نرخ حمایت اسمی، نرخ حمایت

بهینه به طور همزمان بهبودی رابطه مبادله را به دنبال دارد، گرچه سبب محدودیت تجارت از طریق کاهش حجم واردات و صادرات می‌گردد.

کشورهای صنعتی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اغلب سالهای دهه ۱۹۸۰، به منظور مبارزه با رشد بیکاری محدودیتهای متعددی را بر سر راه تجارت بین الملل بوجود آورده‌اند. جدول (۱) هزینه حمایت از برخی صنایع در ایالات متحده آمریکا را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، در اغلب موارد هزینه حفظ هر شغل از طریق سیاست حمایت گرای از دو برابر مزد سالیانه آن شغل بیشتر است.

### بررسی مطالعات تجربی انجام شده بر سیاستهای حمایتی و اثرات آن بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه

از میان این گونه مطالعات تجربی در اینجا سعی می‌کنیم به بررسی اجمالی مطالعات بلابالاسا<sup>(۱)</sup> مطالعات تجربی سازمان آنکتاد و مطالعات دومینیک سالواتوره و هاتر پردازیم.

(1): Bela , Ballassa

توماس - ام‌هامفری - « ریشه‌های کلاسیکی و نئوکلاسیکی تئوری تعرفه‌های بهینه » مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۲ (پاییز ۱۳۶۹)، ص

مؤثر و نرخ مؤثر سویسید در شش اقتصاد نیمه صنعتی پرداخته شده است. فصل دیگر، نظام انگیزشی به کار رفته در شش اقتصاد را به تفصیل با پنج اقتصاد در حال توسعه نیمه صنعتی دیگر و با تکیه بر تغییرات از جنگ دوم تا کنون، تشریح می‌کند.

کشورهای صنعتی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اغلب سالهای ۱۹۸۰ به منظور مبارزه با رشد بیکاری، محدودیتهای متعددی را بر سر راه تجارت بین الملل به وجود آورده‌اند.

علاوه بر آن آثار راهبردهای توسعه بر رشد صادرات و اثرهای رشد صادرات بر رشد اقتصادی، اشتغال و توزیع درآمد، در یازده اقتصاد مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در پایان، راههای از میان بردن کمبودهای بازار سرمایه و بازار کار و نحوه قیمت گذاری مصارف عام المنفعه در شش کشور در حال توسعه نیمه صنعتی مطرح و علاوه بر آن، توصیه‌هایی در زمینه سیاستهای بازرگانی ارائه می‌گردد.

### ۱-۱- مدل پیشنهادی در مورد انگیزشها و

#### عملکرد صادراتی و وارداتی

در میان مدلهای متنوعی که بالاسا به کار می‌گیرد، در اینجا به مدلی که انگیزشها و عملکرد صادراتی را بیان می‌کند اشاره

می‌کنیم. برای آزمون نظام انگیزشی به کار گرفته شده در یک کشور خاص که بر مستگیری بازرگانی اقتصاد ملی آن کشور تأثیر می‌گذارد.

بنابراین می‌توان فرض کرد که در صورت برابر بودن سایر عوامل، هر چه سطح محدودسازی تجاری بیشتر باشد، سهم واردات و صادرات در محصول ملی کمتر خواهد بود. این موضوع در یک چارچوب بین کشورهایی که چهارده اقتصاد توسعه یافته و هفت اقتصاد در حال توسعه را شامل می‌شود مورد آزمایش قرار گرفته است.

مدل پیشنهادی عبارت بود از:

$$\text{Log } M = \alpha + \beta_1 \text{Log } y/p = \beta_2 \text{Log } p +$$

$$\beta_3 \text{Log } T$$

P

جمعیت

T

نرخ تعرفه

Y/P

درآمد سرانه

M

ارزش واردات

با انجام آزمون در مورد چهارده کشور

مفروض، نتایج زیر بدست آمده است.

$$\text{Log } M = 1.03 + 0.76 \text{Log } y/p +$$

$$(2.63) \quad (7.66)$$

$$0.63 \text{Log } p - 0.45 \text{Log } T$$

$$(0.67) \quad (2.75)$$

$$R^2 = 0.90$$

با توجه به تمایل صادرات و واردات به برابری در بلند مدت، می توان رابطه مشابهی را برای صادرات به کاربرد<sup>(۱)</sup>.

(۲) - مدل پیشنهادی و نتایج آزمون تجربی آنکتابد بر ساختار حمایتی پنجاه کشور در حال توسعه

تعرفه های موزون و ناموزون کشورها، همچنین تعرفه ها و شبه تعرفه های موزون و ناموزون، تقسیم گردیده اند.

بعد از آزمونهای مختلف با توجه به محدودیتهای آماری مدل پیشنهادی عبارت بود از:

$$T = bX_1 + 6X_2 + a_1D_1 + a_2D_2 + a_3D_3 + a_4D_4 + a_5D_5 + a_6D_6 + a_7D_7$$

T نرخ تعرفه ها  
 X<sub>2</sub> جمعیت  
 X<sub>1</sub> تولید ناخالص داخلی  
 متغیر مجازی برای مناطق هفت گانه  
 D<sub>1</sub>..... D<sub>7</sub>

سازمان آنکتابد مطالعه تجربی را بر ساختار حمایتی پنجاه کشور در حال توسعه انجام داده است. با توجه به تعدد و تنوع کشورهای مورد مطالعه و محدودیتهای آماری که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، در این مطالعه، کلیه کشورها در دو تقسیم بندی کلی قرار گرفتند. اولین تقسیم بندی، گروههای درآمد سرانه این کشورهاست که در پنج گروه، با درآمد سرانه کمتر از ۵۰۰ دلار، ۵۰۰-۱۰۰۰ دلار، ۱۰۰۱-۱۵۰۰ دلار، ۱۵۰۱-۵۰۰۰ دلار و بیش از ۵۰۰۰ دلار، تقسیم بندی گردیده اند. تقسیم بندی دیگر، مناطق جغرافیایی می باشد که به هفت منطقه کارائیب، آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی، شمال آفریقا، سایر آفریقا، غرب آسیا، سایر آسیا، تقسیم بندی گردیده اند. برای محاسبه نرخ تعرفه، بر اثر تعدد این نرخها به ساده سازی روی آورده شده و نهایتاً کلیه تعرفه ها به

نتایج بدست آمده از این آزمون به شرح زیر می باشد:

این بررسی سطح بالایی از حمایت در کشورهای در حال توسعه و تفاوتهای موجود در ساختار و درجه آن را در میان مناطق جغرافیایی و گروههای درآمدی اثبات می نماید. لکن با توجه به تفاوتهای وسیعی که در سطوح درآمد، درجه صنعتی شدن و موهبتهای منابع در میان پنجاه کشور مورد بررسی وجود دارد، تفاوتهای

۱. بلا، بالاسا، استراتژیهای توسعه در کشورهای نیمه صنعتی، ترجمه محمد علی حقی، (تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۸)، ص ۱۱۰.

آشکار شده در استفاده کشورهای مذکور از اقدامات کنترل کننده تجارت - به استثناء چند مورد - کمتر از آن چیزی است که در این رابطه انتظار می رفت. عدم وجود تفاوت‌های عمده بین کشورها در زمینه الگوی حمایت در بخشهای مختلف، مورد خاصی در این زمینه است. اما این مشاهده مطلق نیست، چرا که برخی از اقدامات کنترل کننده تجارت، به دلیل کمبود آمار و اطلاعات، در تجزیه و تحلیلها وارد نشده‌اند. به علاوه، کاربرد عملی اقدامات غیر تعرفه‌ای (NTM)<sup>(۱)</sup> و میزان تاثیر تحدیدی آنها از کشوری تا کشور دیگر متفاوت است.

نتایج تجربی بررسی جنبه‌های بی‌شماری از حمایت در کشورهای در حال توسعه را روشن می سازد که هر کدام نیازمند تجزیه و تحلیل عمیق‌اند. خلاصه‌ای از این یافته‌ها به شرح زیر است:

برای پنجاه کشور در حال توسعه تحت بررسی، متوسط ناموزون نرخهای تعرفه برای تمامی محصولات " معادل ۲۶ درصد بود. هنگامی که سایر هزینه‌های وارداتی (مانند شبه تعرفه‌ها) نیز محسوب گردند، این رقم ۸ درصد بالاتر می رود. برای در نظر گرفتن تفاوت‌های عمده‌ای که میان ابعاد

مناطق جغرافیایی مربوط به کشورها، عامل مهمی در توضیح تفاوت میان متوسط نرخهای تعرفه است. مفهوم این امر آن است که سایر شرایط عمومی و عواملی از قبیل: زمینه‌های مشترک سیاسی و اقتصادی، زبان و تسهیلات حمل و نقل که ظاهراً تا حدودی خاص یک منطقه است، نقش مهمی در تعیین نظام تجارت خارجی دارند.

بازارهای تحت بررسی وجود دارد، متوسط نرخ تعرفه کشورها با استفاده از کل واردات کشورهای مورد نظر موزون می‌گردد. با این تعدیل، متوسط نرخهای تعرفه متناظر به ارقام ۲۴ درصد برای تعرفه‌ها و ۳۰ درصد برای کل هزینه‌های وارداتی بالغ گردیدند. در این صورت مشاهده گردید که متوسط نرخهای حقوق و عوارض گمرکی به میزان قابل ملاحظه‌ای از منطقه‌ای به منطقه دیگر، و از یک گروه درآمدی تا گروه دیگر متفاوت بودند. تحلیل معادلات رگرسیون نشان داد که گرچه سطح درآمد کشورها با حقوق و عوارض وارداتی دارای ارتباط معکوس است، اما بزرگی کشور که به طور اخص توسط میزان جمعیت اندازه‌گیری شده باشد تاثیر مثبتی بر حقوق و عوارض

(1): Non Tariff Measures

واردات دارد. علاوه بر این عوامل مشهود، معلوم گردید که مناطق جغرافیایی مربوط به کشورها عامل مهمی در توضیح تفاوت میان متوسط نرخهای تعرفه است.

مفهوم این امر آن است که سایر شرایط و عواملی از قبیل: زمینه‌های مشترک سیاسی و اقتصادی، زبان و تسهیلات حمل و نقل - که ظاهراً تا حدودی خاص یک منطقه است - نقش مهمی در تعیین نظام تجارت خارجی دارد. در میان بخشهای مختلف، مشاهده گردید که مصنوعات کارخانه‌ای (به معنای وسیع آن) و مواد غذایی با بیشترین میزان هزینه‌های وارداتی روبه رو هستند که عموماً بیش از ۳۰ درصد می باشد. در میان گروه مصنوعات کارخانه‌ای، مصنوعات متنوعی چون مصنوعات کاربر (از قبیل منسوجات و پوشاک) نرخهای تعرفه‌ای معادل دو برابر متوسط نرخ محصولات شیمیایی و ماشین آلات و تجهیزات را - به استثنای چند مورد - دارا بودند. این تصویر کلی در تمامی مناطق جغرافیایی و گروههای درآمدی، از جمله در کشورهای دارای پائینترین سطح درآمد، حاکم است. در ارتباط با اقدامات غیر تعرفه‌ای (NTM<sub>2</sub>) مشخص گردید که محدودیتهای کمی و مجوز واردات از جمله رایجترین اقدامات هستند. به طور متوسط، ۴۰ درصد از تعرفه‌ها تحت تاثیر یکی از

اقدامات غیر تعرفه‌ای قرار داشتند. در صورت لحاظ نکردن اقدامات غیر تعرفه‌ای که در مورد تمامی واردات اعمال می شوند این نسبت به ۲۷ درصد می‌رسد. این تواتر در کاربرد اقدامات غیر تعرفه‌ای نشان دهنده تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در میان مناطق جغرافیایی و گروههای درآمدی است. در میان کشورهای دارای کمترین درآمد این تواتر در حدی نسبتاً پایین قرار داشت. در دو گروه درآمدی بعدی این تواتر بالاتر بود و در گروه دارای بالاترین درآمد به شدت کاهش داشت.

در میان بخشها، تعرفه‌هایی که تحت تاثیر اقدامات غیر تعرفه‌ای قرار داشتند. اختلافات عمده‌ای را نشان ندادند. با این وجود، بخش مواد غذایی، ظاهراً بیشترین تاثیر پذیری را در میان تمامی مناطق و گروههای درآمدی دارا بود.

به منظور بررسی ارتباط بین استفاده از تعرفه‌های گمرکی و استفاده از دیگر اقدامات غیر تعرفه‌ای به عنوان سیاستهای تجاری جایگزین، تلاشهایی به عمل آمد. معلوم شد که در صورت مستثنی نمودن محصولات که تحت تاثیر اقدامات غیر تعرفه‌ای قرار دارند، متوسط تعرفه‌ها عموماً پائینتر خواهد بود. کالاهایی که در معرض اقدامات غیر تعرفه‌ای قرار داشتند به طور متوسط دارای تعرفه‌ای ۹ درصد بیش سیاستهای حمایتی و اثر آن بر متغیرهای اقتصادی ۱۳



از دیگر کالاها بودند که این امر به معنای آن است که عموماً اقدامات غیر تعرفه‌ای و تعرفه‌ها به صورت مکمل بکار می‌روند. در مجموع، این الگو در سراسر بخشها معتبر بود<sup>(۱)</sup>.

### ( ۳ ) - مطالعات تجربی دومینیک سالواتوره و توماس هاتر

سیاستهای حمایتی، ارتباط نزدیکی با اتخاذ استراتژی توسعه در کشورهای جهان سوم دارد و پاسخ به این سؤال که برداشتن موانع تجاری و پیوستن به تجارت آزاد جهانی چه اثری بر روند توسعه اقتصادی این کشورها دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در این رابطه مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است که نتیجه اکثر این مطالعات می‌شود این نظریه نورکس (NURKS 1959) و کریویس (Kravis, 1970) بوده که تجارت بین الملل برای کشورهای در حال توسعه متضمن منافع مهمی است، اما نمی‌توان به

منزله نیروی اصلی توسعه به آن اتکا کرد. اخیراً بانک جهانی کلیه کشورهای در حال توسعه را برحسب جهت گیری تجاری ضریب X از نظر آماری تنها در مورد کشورهای درون گرا معنادار بوده است که علت آن می‌تواند این باشد که در کشورهای برون گرا منافع حاصل از تجارت ناشی از خود تجارت نیست، بلکه ناشی از بهره گیری موثرتر از منابع داخلی است.

آنها - که متخذ از مطالعه‌ای است که توسط گرین اوی (Greenaway, 1986) انجام شده است - به چهار گروه تقسیم نموده است: (الف) - "برونگرای تندرو: در این شیوه جهت گیری"، کنترلهای تجاری یا وجود ندارد و یا بسیار ضعیف است، بدین معنا که ضدانگیزه‌های تحمیلی به صادرات در اثر موانع ایجاد شده برای واردات با انگیزه‌های صادراتی جبران می‌گردد<sup>(۲)</sup> اعمال کنترلهای مستقیم و ترتیبات صدور مجوز یا اصلاً وجود ندارد، یا موارد آن بسیار اندک است و نرخ ارز در حدی نگه داشته می

۱. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی "شمای کلی حمایت در کشورهای در حال توسعه"، ترجمه محمد رضا رفعتی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۷۰ (اسفند ۱۳۷۱)، ص ۴۶.  
۲. در شیوه برونگرای تندرو، هرگاه دولت بنا به دلایلی مجبور گردد، بر واردات تعرفه وضع کند، و اگر این تعرفه بتواند بر کاهش صادرات اثر بگذارد؛ مثلاً دیگر کشورها نیز بر کالای صادراتی این کشور تعرفه وضع کنند، دولت از طریق سوسیدو یا روشهای دیگر، انگیزه‌های صادراتی را جبران می‌کند.

شود که نرخهای موثر ارز برای واردات و صادرات تقریباً برابر باشد.

$$Q = F(L, K, X, R) \quad (1) \text{ معادله}$$

Q محصول ناخالص داخلی واقعی  
 K نهاده سرمایه به واحد فیزیکی  
 R شاخص تولید صنعتی واقعی  
 L نهاده کار به واحد فیزیکی  
 X ارزش واقعی صادرات

(ب) - "برونگرای میانه رو: ساختار کلی انگیزه، به نسبت، بیشتر معطوف به تولید برای بازار داخلی است تا صادرات".  
 (ج) - "درونگرای میانه رو"<sup>(۱)</sup>: ساختار کلی انگیزه، به طور مشخص معطوف به تولید برای بازار داخلی است و نرخ ارز نیز به وضوح اضافی ارزشگذاری شده است.

با دیفرانسیل گیری کلی از معادله (۱)، نسبت به  $R, X, K, L$  و تقسیم بر  $Q$  و سپس بازآرایی، نتایج زیر بدست می آید:

معادله (۲)

$$\bar{Q} = a + b\bar{L} + c\bar{K} + g\bar{X} + h\bar{R}$$

علامت (-) در بالای متغیر، مبین میزان رشد متغیر است و  $b, g, c, h$  به ترتیب، کشش پذیری تولید نسبت به  $R, X, K, L$  می باشند. چون در اکثر کشورهای در حال توسعه، آمار و اطلاعاتی در مورد  $K$  وجود ندارد، لذا معادله (۲) به شکل زیر تعدیل گردیده است:

معادله (۳)

$$\bar{Q} = a + b\bar{L} = c^* I + g\bar{X} + b\bar{R}$$

(د) - "درونگرای تندرو: ساختار کلی انگیزه به شدت معطوف به بازار داخلی است و نرخ ارز نیز به نحو چشمگیری اضافی ارزشگذاری شده است".

سالواتوره و هاتر در مطالعه تجربی خود با استفاده از این طبقه بندی چهارگانه تجاری کشورهای جهان سوم مدل اقتصادسنجی زیر را پیشنهاد و به تخمین و برآورد وضعیت تجاری ۴۱ کشور در حال توسعه پرداختند.

در این مطالعه برای بررسی رابطه بین تجارت بین الملل و توسعه اقتصادی در تابع کلی تولید، علاوه بر عوامل کار و سرمایه صادرات و صنعتی شدن به منزله دو نهاده

۱. تفاوت شیوه‌های جهت گیری تجاری برونگرای میانه رو و درونگرای میانه رو این است که در درونگرای میانه رو نرخ ارز بیشتر از قیمت واقعی ارزش گذاری و به عبارتی تقویت پولی است که به زیان صادرات است. اما در شیوه برونگرا، نرخ ارز اغلب منطبق بر نرخ واقعی آن است.

در معادله فوق  $a$  نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به محصول ناخالص داخلی و  $C$  محصول فیزیکی نهایی تشکیل سرمایه می‌باشند.

معادله (۳) را می‌توان با جانشین کردن  $\gamma$  (رشد درآمد سرانه واقعی) به جای متغیر تابع  $Q$  و حذف متغیر توضیحی  $L$  هر چه بیشتر اصلاح و تعدیل کرد. دلیل این تعدیل این است که، توسعه طی زمان به هر حال بیشتر با افزایش درآمد سرانه واقعی مرتبط است تا افزایش محصول ناخالص داخلی واقعی و با در نظر گرفتن بیکاری عظیم و حتی کم کاری عظیم‌تر در اکثر کشورهای درحال توسعه، متغیر توضیحی  $L$  را نیز از معادله حذف می‌کنیم که بدین ترتیب شکل نهایی مدل عبارت خواهد بود از:

$$\bar{Y} = a + C\bar{I} + g\bar{X} = h\bar{R}$$

کشش پذیری درآمد سرانه نسبت به صادرات  $g$   
 کشش پذیری درآمد سرانه نسبت به صنعتی شدن  $h$   
 محصول فیزیکی نهایی سرمایه  $C$

### نتایج مطالعات تجربی سالواتوره و هاتر

سالواتوره نتایج مطالعات خود را در سه جدول ارائه کرده است (۱):

جدول (۱) - نتایج تجربی براساس گروه‌بندی کشورها  
 جدول (۲) - نتایج تجربی براساس معدل گروه‌های کشورها  
 جدول (۳) - نتایج تجربی در مورد کشورها به طور منفرد

در تمامی این جداول مقدار ضریب متغیرهای توضیحی  $C$  (محصول فیزیکی نهایی سرمایه)،  $a$  (تشکیل سرمایه ثابت ناخالص) و  $X$  (رشد ارزش صادرات واقعی) آورده شده و با استفاده از مقدار

$\bar{Y}$  رشد درآمد سرانه واقعی  
 $\bar{I}$  تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به صورت درصدی از محصول ناخالص داخلی  
 $\bar{X}$  رشد ارزش صادرات واقعی  
 $\bar{R}$  رشد شاخص تولید صنعتی

۱. برای اطلاع از ارقام جداول و مشروح این مقاله رک به:

سازمان برنامه و بودجه، "استراتژیهای درونگرا و برونگرا"، ترجمه کورس صدیقی، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، سال هشتم

نتایج مربوط به شش کشور موید این نظریه است که جهت گیریهای شدیداً معطوف به داخل به کارآیی نسبی کمتری در مورد مصرف منابع منجر می شود و فقط مورد تونس با این مطلب تناقض دارد.

آماره های t تفسیر معنی دار بودن برای هر ضریب، انجام شده است. هدف از این کار مشخص نمودن این مسئله است که در گروههای چهارگانه برونگرای تندرو، برونگرای میانه رو، درونگرای میانه رو و درونگرای تندرو هریک از متغیرهای توضیحی فوق در دو دوره زمانی ۱۹۶۳-۱۹۷۳ و ۱۹۷۳-۱۹۸۵ چه اثری بر رشد درآمد سرانه واقعی داشته اند؛ برای مثال آیا در کشورهای برونگرای تندرو، سرمایه گذاری با رشد درآمد سرانه واقعی همبستگی مستقیم و مثبت دارد یا خیر؟ که نتیجه این سوال گویای کارآیی سرمایه گذاری در کشورهای برونگرای تندرو می باشد. در اینجا مابه نتایج مهم این مطالعه اشاره می کنیم:

"ضریب X (رشد ارزش صادرات واقعی) برای همه گروهها در دو دوره زمانی، مثبت می باشد که این امر گویای این است که در هر دو دوره، تجارت بین الملل به سود تمام کشورهای مورد بررسی بوده است."

- ضریب X از نظر آماری تنها در مورد کشورهای درونگرا معنادار بوده که علت آن می تواند این باشد که در کشورهای برونگرا منافع حاصل از تجارت، تنها ناشی از خود تجارت نیست، بلکه ناشی از بهره گیری موثر تر از منابع داخلی است.

- "ضریب برآورد شده ۱ (تشکیل سرمایه ثابت ناخالص) در مورد کشورهای برونگرای تندرو در هر دو دوره و در مورد کشورهای درونگرای میانه رو در دوره دوم مثبت و معنی دار است، لکن در مورد سایر گروهها چنین نیست، که این امر می تواند نتیجه افزایش بیشتر نسبت نهایی سرمایه به تولید در کشورهای درون گرا تر باشد."

- "در مورد متغیر C (متغیر صنعتی شدن)، ضریبهای برآورد شده کلاً برای همه گروهها به استثنای گروه کشورهای درونگرای تندرو در دوره دوم، مثبت و کاملاً معنادار است، اما در دوره اول در مورد کلیه گروهها - از لحاظ آماری - بی معناست." نتایج غیر معنی دار - از لحاظ آماری - در مورد کشورهای درونگرای تندرو در دوره دوم موید این نظریه است که صنعتی شدن همراه با درونگرایی شدید به عدم کارآئیهای شدید منجر می گردد. نتایج مثبت و از لحاظ آماری معنی دار در دوره دوم می تواند ناشی از آزاد سازی باشد که در

اکثر کشورها در دوره دوم انجام گرفته است و در قسمت نتایج مربوط به کشورهای منفرد آمده است:

- "ضرب متغیر سرمایه گذاری در مورد هیچ یک از کشورهای درونگرای تندرو در هیچ یک از دو دوره مثبت و از لحاظ آماری معنادار نبوده است، که این امر موید نظریه عدم کارایی نسبی جهت گیریهای شدیداً معطوف به داخل در مقایسه با جهت گیریهای شدیداً معطوف به خارج است."

- نتایج مربوط به شش کشور موید این نظریه است که جهت گیریهای شدیداً معطوف به داخل به کارایی نسبی کمتری در مصرف منابع منجر می شود که فقط مورد تونس با این مطلب تناقض دارد.

در پایان این مطالعه بسالواتوره به عواملی که می تواند نتایج این مطالعه را مشکوک کند اشاره می کند و می افزاید: "باید نتیجه اصلی حاصل از این مطالعه و بسیاری دیگر از مطالعات تجربی را که طی دو یا سه دهه گذشته انجام شده است، یعنی این مطلب که رشد صادرات مستقیماً با رشد محصول ناخالص داخلی همبسته است را با احتیاط و مشروط تلقی کرد"، او عواملی که این نتایج را غیر دقیق می کند، به شرح زیر نام می برد:

(۱) - انتخاب نمونه های آماری و روش های تخمین که با تغییر این

نمونه ها و روشها نتایج متفاوت می شوند.  
(۲) - در این مطالعات، توابع تولید در بخشها و کشورهای مختلف به طور ضمنی یکسان و مشابه فرض شده است، که این فرض نامناسب است.

(۳) - تعیین علّیت ( رابطه صادرات و رشد درآمد سرانه) به اتکای تحلیل رگرسیون و همبستگی، امری دشوار و اساساً ممنوع است.

(۴) - کلیه مطالعات تاکنون به صورت تک معادله ای بوده است در حالی که این مطالعات معادلات همزمان را می طلبد.

(۵) - مهمترین اشکال این است که موفقیت کلیه مطالعات تجربی تاکنون فقط در این حد بوده است که رابطه تجارت و توسعه را در چارچوبی ایستایا دست کم کوتاه مدت برآورد کنند، در حالی که پیوند تجارت و توسعه، پیوندی پویا و خصلتاً دراز مدت است.

۴- روند سیاست بازرگانی در اقتصاد ایران

یکی از نخستین مصوبه های مجلس ایران در مورد تجارت خارجی را می توان قانون انحصار تجارت خارجی که در ششم اسفند سال ۱۳۰۹ ش به تصویب رسید دانست براساس این ماده واحده:

"از تاریخ تصویب این قانون، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی یا دائمی میزان واردات و صادرات مزبور به دولت واگذار می شود و دولت می تواند تا تصویب متمم این قانون از ورود مال التجاره خارجی به خاک ایران جلوگیری کند."

در تعقیب این قانون متمم قانون انحصار تجارت خارجی به تاریخ ۲۵ اسفند سال ۱۳۰۹ ش به تصویب رسید. به موجب قوانین فوق الذکر، دولت، اقتدار کافی برای تنظیم سیاست بازرگانی خارجی و سوق آن در جهت ایجاد موازنه پرداختها را در اختیار گرفت.

از مشخصات قانون انحصار تجارت خارجی، ترک لیبرالیسم در زمینه تجارت خارجی و استقرار شیوه تعلیق به جای آن بود، زیرا طبق ماده (۲) این قانون "وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی و صنعتی خارجه به ایران، مشروط به شرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران" شده بود.

البته طبق ماده (۳) این قانون، دولتی شدن تجارت، مورد تعدیل قرار گرفت و دولت مجاز گشت "حقوق خود را در مورد وارد کردن کالاهایی که از عهده اش خارج

با توجه به کاسته شدن هزینه ارزی متفقین در ایران و با درپیش گرفتن سیاست "درهای باز" موجودی ارزی کشور به پایان رسید.

است، تحت شرایط معینی با صدور جوازهای مخصوص به اشخاص بازرگان واگذار نماید."

با وجود اجرای قانون انحصار تجارت خارجی و ارزان سازی پول به علت نوسانات شدید لیره، فرانک و دلار، ارزش ریال نسبت به اسعار بین المللی دچار تغییرات شدید و مستمر روزانه بود و در نهایت تجارت خارجی رو به کسر دار شدن گذارد.

دولت جهت موازنه بازرگانی و تراز پرداختها، قانون جدید تعرفه گمرکی را در ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۱۵ ش به تصویب رساند و به موجب آن حقوق گمرکی بسیاری از کالاها را افزایش داد و دولت براساس اتخاذ سیاست "معامله متقابل" تفضیقات لازم را در صادرات بازرگانی خارجی فراهم آورد. در ادامه این سیاستها، در ۱۷ خرداد، سال ۱۳۱۶ ش تصویب نامه ای گذشت و به موجب آن صدور موافقتنامه و پروانه ورود کالا به حدود موجودی ارزی کشور محدود گشت و نیز به موجب تصویب نامه های مورخ اول و سوم شهریور همان سال، کالاهای صادراتی به سیاستهای حمایتی و اثرآن بر متغیرهای اقتصادی ۱۹

سه درجه تقسیم شد و مهلت انجام پیمان ارزی کالاهای صادره درجه اول، چهار ماه، درجه دوم، شش ماه و درجه سوم، هشت ماه تعیین گشت و دستور داده شد تا گمرک خانه‌ها برای کالاهای درجه سوم علاوه بر صدور تصدیق عادی، گواهینامه خاصی نیز تحت عنوان گواهینامه صدور کالای درجه سوم صادر نمایند.

این روند ادامه یافت تا اینکه وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ و شرایط بعد از جنگ در ایران بوجود آمد. نخستین کابینه بعد از جنگ در ۲۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۱، با تصویب قانون اصلاح انحصار تجارت خارجی، ورود کالاهای مجاز و فروش ارز، بدون تحصیل پروانه با موافقتنامه قبلی، مجاز گشت و به شعب بانکهای مجاز اجازه داده شد که گواهینامه صدور را بدون هیچگونه محدودیتی به متقاضیان بفروشند. این سیاست انبساط تجاری، دیری نپایید، زیرا در اواخر سال ۱۳۲۴ حوادث سیاسی ایران بسیار بحرانی شد و فرار سرمایه روزافزون بود که با توجه به کاسته شدن هزینه ارزی متفقین در ایران و با در پیش گرفتن سیاست "درهای باز" موجودی ارزی کشور به پایان رسید. برای مقابله با این وضعیت، در مرداد سال ۱۳۲۵ واردات، سهمیه بندی شد و به طور کلی کالاهای وارداتی دو طبقه شدند:

طبقه الف: در مورد کالاهای این طبقه، گشایش اعتبار از طرف بانکهای مجاز در مقابل گواهی ۹۰ درصد مجاز شد.

طبقه ب: برای واردات کالاهای این طبقه، ارائه پروانه کمیسیون ارز از وزارت بازرگانی الزامی اعلام گشت. بین سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰، درآمد نفتی کشور افزایش یافت و از ۵۶۱۲ میلیون ریال در سال ۱۳۲۴ به ۲۲۱۸۴ میلیون ریال در سال ۱۳۲۹ افزایش یافت. با این افزایش درآمد، گرچه قانون سهمیه بندی واردات تغییری نکرد، اما سهمیه وارداتی به طور قابل توجهی افزایش یافت.

"سالهای ۱۳۲۹ - ۳۲ مقارن با ملی شدن صنعت نفت در کشور بود که با تحریم خرید نفت ایران از سوی کشورهای غربی، درآمدهای نفتی به شدت کاهش یافت، به طوری که در سال ۱۳۳۱ تنها ۱۲ میلیون ریال درآمد از فروش نفت عاید کشور گردید. در آغاز سال ۱۳۳۱، برای مقابله با این وضعیت، دولت سیاست تحدید واردات و تشویق صادرات را در پیش گرفت. بر این اساس در سهمیه وارداتی سال ۱۳۳۱ مقرر شد، همین که واردات به ۸۰ درصد سهمیه رسید، گشایش اعتبار متوقف و باقیمانده صرف تصفیه بروات بین راه شود. با سرنگونی دولت مصدق و کمکهای آمریکاکه از ۲۲ شهریور ماه همان سال

آغاز شد، اجرای تصمیمات تحدیدی پیشین متوقف و برای تقلیل سطح هزینه زندگی، برای واردات تسهیلاتی ایجاد گردید. در سال ۱۳۳۲، گرچه دولت از محل گواهینامه ارز صادراتی و کمک آمریکا ۲۵ میلیون دلار موجودی ارزی داشت، لکن سهمیه وارداتی در حدود سهمیه وارداتی سال ۳۲ تنظیم شد و اساس سیاست بازرگانی، تشویق صادرات و تثبیت قیمت‌های داخلی از طریق ورود مصنوعات خارجی و نزدیک شدن به استقرار نظام تبدیل نرخهای متعدد ارز به نرخ واحد بود. این روند تا برنامه سوم عمرانی ادامه داشت. در این برنامه دولت به ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و سیاست جایگزینی واردات از طریق ایجاد صنایع مصرفی پرداخت و گام‌های اولیه برای صنعتی شدن کشور در این برنامه برداشته شد.

"در برنامه عمرانی چهارم که برای سالهای ۱۳۴۷ - ۵۱ طراحی شده بود، در مجموعه سیاست‌های بازرگانی کشور تغییراتی بوجود آمد. با تغییر وزیر اقتصاد در اواخر سال ۱۳۴۸، در مجموعه مقررات مبادلات خارجی کشور در سال ۱۳۴۹ تجدید نظر شده" و مقررات جدید، مقررات عمومی صادرات و واردات با تاکید بر

صادرات " نام گرفت. یکی از اهداف این مقررات، ایجاد برونگرایی در بازار مصرف استراتژی جایگزینی واردات که بر پایه عرضه داخلی کالاهای مصرفی در برنامه سوم طراحی شده بود، در برنامه چهارم حرکت به سوی ایجاد بازار صادراتی برای کالاهای صنعتی را آغاز نمود. اما تحولات بازار نفت در طول برنامه پنجم و تغییر جهت گیری توسعه صنعتی در کشور سبب روند نزولی در شاخص صنعتی شدن در کشور گردید. به طوری که در سال ۱۳۵۶ (سال پایان برنامه پنجم) این شاخص به ۲/۴ درصد کاهش یافت.

کشور بود تا بدینوسیله موجبات افزایش سریع حجم تولیدات کشور برای رسیدن به مقیاسهای جهانی فراهم شود. مشخصه برنامه عمرانی چهارم کشور در بخش بازرگانی را می توان تعقیب سیاست انبساط تدریجی بازرگانی نام نهاد. تهیه احتیاجات عمومی، تامین منافع مصرف کنندگان، حفظ موازنه پرداخت‌های ارزی، حمایت و توسعه صنایع داخلی و تشویق صادرات در چارچوب برنامه تثبیت اقتصادی و عمرانی دولت به عنوان هدف‌های سیاست بازرگانی در این برنامه اعلام شد<sup>(۱)</sup>.

۱. غلامرضا فرزانه پور، سیر تحولات ارزی در ایران، (تهران: مدرسه عالی بازرگانی، اسفند ۱۳۵۱).



جدول (۲): روند نسبت صادرات بخش صنعت به واردات واسطه‌ای آن  
(درصد)

سال	نسبت صادرات صنعتی به واردات مواد اولیه و واسطه‌های	سال	نسبت صادرات صنعتی به واردات مواد اولیه و واسطه‌های
۱۳۴۷	۳/۸	۱۳۵۸	۱/۷
۱۳۴۸	۴/۲	۱۳۵۹	-/۵
۱۳۴۹	۵/۴	۱۳۶۰	-/۲
۱۳۵۰	۵/۶	۱۳۶۱	۰/۴
۱۳۵۱	۸/۱	۱۳۶۲	۰/۳
۱۳۵۲	۵/۵	۱۳۶۳	۰/۴
۱۳۵۳	۴/۹	۱۳۶۴	-
۱۳۵۴	۳/۴	۱۳۶۵	۲/۵
۱۳۵۵	۳/۲	۱۳۶۶	۲/۴
۱۳۵۶	۲/۴	۱۳۶۷	۶/۱
۱۳۵۷	۴/۲	۱۳۶۸	۱/۹

مأخذ:

- (۱) - سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان، ساختار بازرگانی خارجی ایران و سیاستهای تعدیل اقتصادی (تهران: سازمان برنامه و بودجه، آذر ماه ۱۳۶۷)، ص ص ۳-۴۵.
- (۲) - برای محاسبه شاخص در سالهای ۱۳۶۵-۶۸ از منبع زیر استفاده گردید: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

درآمد ارزی کشور به ۲۰/۹ میلیارد دلار رسید که حدود ۳/۴ برابر درآمد سال ۱۳۵۲ بود<sup>(۱)</sup> که به همین دلیل نیز دولت

۱. مأخذ، جدول (۴).

در طی برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۵۶) افزایش سریع و غیر قابل انتظار قیمتهای نفت سبب افزایش درآمد دولت گردید، به طوری که در سال ۱۳۵۳،

در این برنامه تجدید نظر کرد. وضعیت بازرگانی کشور نیز دست خوش تغییراتی شد و عمده‌ترین محور سیاستهای بازرگانی، واردات بی رویه کالاهای مصرفی و پرداخت سوبسیدهای مصرفی برای جلوگیری از تورم ناشی از افزایش هزینه‌های عمرانی و جاری بود.

باتوجه به جدول (۲) که شاخص صنعتی تا سال ۱۳۶۶، در شرایط ویژه جنگی در کشور، مهمترین هدف سیاستگذاران اقتصادی، تثبیت وضع اقتصادی موجود بود و استراتژی توسعه صنعتی عملاً نمی توانست وجود داشته باشد. از ویژگی سیاستهای بازرگانی در این دوره تمرکز بازرگانی خارجی در دست دولت و تامین مایحتاج عمومی و امکانات دفاعی برای کشور بود.

شدن یا روند نسبت صادرات بخش صنعت به واردات واسطه‌ای آن را نشان می‌دهد، می‌توان به مقایسه نتایج استراتژیهای توسعه صنعتی در طول این دو برنامه پرداخت. طی سالهای برنامه چهارم (۱۳۴۷-۵۱)، این شاخص از  $\frac{3}{8}$  درصد در سال ۱۳۴۷ به  $\frac{8}{1}$  درصد در سال ۱۳۵۱ رسید که بالاترین مقدار شاخص در طی دوره بررسی و گویای رشد متوازن بخش صنعت در برنامه چهارم کشور است. استراتژی جایگزینی واردات که بر پایه

عرضه داخلی کالاهای مصرفی در برنامه سوم طراحی شده بود. برنامه چهارم حرکت به سوی ایجاد بازار صادراتی برای کالاهای صنعتی را آغاز نمود. اما تحولات بازار نفت در طول برنامه پنجم و تغییر جهت گیری توسعه صنعتی در کشور سبب روند نزولی در شاخص صنعتی شدن در کشور گردید، به طوری که در سال ۱۳۵۶ (سال پایان برنامه پنجم) این شاخص به  $\frac{2}{4}$  درصد کاهش یافت.

- وضعیت بازرگانی خارجی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیاز به دگرگونی در تمامی ارزشهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی احساس می گردید. به همین سبب نخستین تغییر اساسی در ساختار اداره کشور، تغییر قانون اساسی بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ به تصویب مجلس خبرگان رسید و به آرای عمومی گذاشته شد. براساس اصل (۴۴) این قانون، بازرگانی خارجی کشور همچون راه آهن، رادیو و تلویزیون،... باید توسط دولت تصدی شود. بر همین اساس لایحه‌ای توسط وزارت بازرگانی تحت عنوان لایحه "مراکز تهیه و توزیع کالا" تقدیم شورای انقلاب گردید و در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۰ این لایحه به تصویب شورای انقلاب رسید. براساس این قانون وزارت

سیاستهای حمایتی و اثرآن بر متغیرهای اقتصادی ۲۳

بازرگانی با توجه به حجم فعالیت تجارت خارجی، سفارش دهندگان محلی و نیاز منطقه و تقسیمات کشوری و امکانات انجام عملیات بانکی و گمرکی و بندری و انبارداری منطقه و سیاستهای بازرگانی دولت، حوزه جغرافیایی هر مرکز را تعیین می‌نماید. اولین مرکز تهیه و توزیع پس از تصویب قانون مراکز در تاریخ اول خرداد سال ۱۳۵۹ به نام مرکز تهیه و توزیع فلزات تشکیل گردید و بعدها به تدریج به تعداد مراکز اضافه شد بطوری که به حدود سیزده مرکز رسید<sup>(۱)</sup>.

تا سال ۱۳۶۶، و شرایط ویژه جنگی در کشور، مهمترین هدف سیاستگذاران اقتصادی تثبیت وضع اقتصادی موجود بود و استراتژی توسعه صنعتی عملاً نمی‌توانست وجود داشته باشد. از ویژگی سیاستهای بازرگانی در این دوره تمرکز بازرگانی خارجی در دست دولت و تامین مایحتاج عمومی و امکانات دفاعی برای کشور بود. در تاریخ ۱۱/۴/۱۳۶۶ قانون جدید مقررات صادرات و واردات به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. از اهداف مهم این قانون اصلاح وضعیت بازرگانی کشور از طریق تشویق صادرات غیر نفتی، تحدید واردات کالاهای لوکس، اصلاح نرخ تعرفه براساس حمایت از

تولیدات داخلی، تشکیل تعاونی مرزنشینان برای احیای اقتصادی مناطق محروم، ایجاد رابطه منطقی بازرگانی با کشورها براساس موازنه بازرگانی در صادرات غیرنفتی،... می‌باشد<sup>(۲)</sup>.

- استراتژی بخش بازرگانی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پس از پایان جنگ تحمیلی و در دوران بازسازی و اجرای برنامه توسعه در کشور بوجود آمد. سال ۱۳۶۸ با تشکیل دولت جدید، به عنوان سال نخست برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. در این جا به استراتژی بخش بازرگانی این برنامه اشاره می‌کنیم:

### استراتژیها، در بخش صادرات

- با توجه به ظرفیت تولیدی بخشهای مختلف کشور و نیازهای ساختار موجود اقتصاد جامعه طی دوران برنامه، استراتژی تجاری جایگزینی واردات و تشویق صادرات با عنایت به برتریهای نسبی کشور در هر زمینه باید به صورت همزمان تعقیب گردد.

۱. محمد حسن وطنی، مجموعه کامل قوانین و مقررات بازرگانی خارجی، (تهران: فردوسی، مهر ۱۳۶۴)، ص ۱۸۷.

۲. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، قانون صادرات و واردات و آییننامه اجرایی آن، (تهران: م.م.پ.ب. مهر ۱۳۷۱)، ص ۱۰.

- ارز حاصل از صادرات غیرنفتی هریکس در داخل همان بخش استفاده خواهد شد.

- در روش قیمت گذاری محصولات تولیدی، وارداتی، صادراتی تجدید نظر به عمل خواهد آمده به نحوی که از تولید و صادرات حمایت شود.

### "استراتژیها، در بخش واردات"

- رشد سریع واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بخش کشاورزی.

- تلاش برای تامین نیاز کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بخش صنایع و

گرچه در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران، دو استراتژی تشویق صادرات و جایگزینی واردات، همزمان در نظر گرفته شده است، لکن با توجه به اهداف برنامه و ظرفیت تولید صنعتی کشور عملاً جایگزینی واردات استراتژی عمده می‌باشد.

معادن.

- هماهنگ کردن سیاستهای وارداتی با سیاستها و الزامات بخش کشاورزی و جلوگیری از تاثیر منفی واردات بر تولید داخلی

- تامین کالاهای مصرفی حساس و ضروری در حداقل نیاز جامعه

- در بازرگانی خارجی برای حمایت از تولیدات داخلی ( بهخصوص صنایع ماشین سازی و واسطه‌ای) و برای تسریع در ایجاد یک ساخت صنعتی غیر وابسته، ضمن جلوگیری تدریجی از ورود کالاهای صنعتی و مصرفی به کشور همزمان با رشد صنایع مادر و بنیادی، بخشودگیهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در طول برنامه به تدریج لغو می‌گردد.... آن دسته از واحدهای تولیدی که فعالیت آنها در چارچوب سیاست "توسعه صادرات" قرار می‌گیرد مشمول این بند نیستند و از تسهیلات خاص گمرکی و بازرگانی برای ورود مواد اولیه قطعات یدکی و ماشین آلات برخوردار خواهند بود.

- افزایش حمایت از تولیدات داخلی به طوری که در زنجیره تولید کالا هرچه به سمت حلقه‌های نهایی کالاهای مصرفی نزدیک می‌شویم، میزان سود بازرگانی بیشتر شود.<sup>(۱)</sup>

گرچه در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران دو استراتژی تشویق صادرات و جایگزینی واردات همزمان در نظر گرفته شده‌اند، لکن با توجه به اهداف برنامه و ظرفیت تولید صنعتی کشور عملاً جایگزینی واردات استراتژی عمده می‌باشد؛ زیرا در طول برنامه پنجساله با

جدول (۳): پیش‌بینی ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی و صنعتی در طی برنامه اول توسعه

عنوان	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	جمع دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲
صادرات کالاهای غیرنفتی	۱۷۳۹/۵	۲۲۸۳/۵	۳۱۴۹/۶	۴۲۴۷/۹	۶۳۱۵/۵	۱۷۸۳۶
صادرات کالاهای صنعتی	۷۴۹	۱۰۲۸	۱۴۴۰	۲۰۴۳	۳۷۴۰	۹۰۰۰

منبع: سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - جمهوری اسلامی ایران، (تهران): سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۶۸)، ص ۸-۲۶.

در تغییر استراتژی، گویای این واقعیت است که سیاستگذاران اقتصادی با اتخاذ استراتژی تشویق صادرات، تصمیم می‌گیرند که مقدار بیشتری از تولیدات صنعتی داخلی را به خارج صادر کنند و به عبارتی مقدار کمتری از تولیدات را به مصرف داخلی تخصیص دهند. لذا برای اجرای این هدف از سیاستهای پولی و بازرگانی که بتواند مزیتی را برای صادرات ایجاد کند، استفاده می‌کنند.

مکانیزم عمل به این نحو است که با کاهش ارزش پول داخلی و یا یکسان کردن نرخ تعرفه برای کالاهای واسطه‌ای و نهایی، عملاً قیمت نهاده‌های سرمایه‌بر وارداتی افزایش می‌یابد و تولیدکنندگان تشویق به تولید کالاهای کار-برمی‌شوند؛ زیرا فرض

دیدنی خوش بینانه تنها حدود ۹ میلیارد دلار صادرات برای کالاهای صنعتی پیش‌بینی شده در حالی که هزینه ارزی واردات در برنامه حدود ۱۱۴/۳ میلیارد دلار برآورد گردیده است که از این میزان ورود ۳۴/۳۵ میلیارد<sup>(۱)</sup> آن اختصاص به ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای برای تجهیز زیرساخت صنعتی کشور دارد. درحالی که از محتوای برنامه چنین جهت‌گیری استنباط می‌گردد، لکن با تصمیمی که در اوائل سال ۱۳۷۲ (سال پایان برنامه) مبنی بر تک‌نرخ شدن قیمت ارز اتخاذ گردیده، با اهرم سیاست پولی جهت‌گیری شدیدی به نفع استراتژی تشویق صادرات شکل گرفته است.

تجربه سایر کشورهای در حال توسعه

۱. قانون برنامه، پیشین، ص ۲-۲۰.

براین است که این کشورها به علت ارزانی نیروی کار دارای مزیت می‌باشند. نتیجه اینکه با تولید کالاهای کار-برمی‌توانند صادرات بیشتری با توجه به مزیت نسبی خود داشته باشند. اما در کشورهایی که بخش تولیدی فعال در بخشهای صنعت و کشاورزی وجود ندارد، کاهش ارزش در بهترین شرایط تنها به بهبود تراز پرداختها و جبران کسری تراز پرداختهای ارزی کشور منجر می‌گردد و اینکه این سیاست به تشویق صادرات صنعتی و افزایش آن منجر گردد، بنظر می‌رسد غیر واقع بینانه باشد.

---

در کشورهایی که بخش تولیدی فعال در بخشهای صنعت و کشاورزی وجود ندارد کاهش ارزش پول در بهترین شرایط تنها به بهبود تراز پرداختها و جبران کسری تراز پرداختهای ارزی کشور منجر می‌گردد و اینکه این سیاست به تشویق صادرات صنعتی و افزایش آن منجر گردد، به نظر می‌رسد غیر واقع بینانه باشد.

---

- آزمون تجربی برای کمی نمودن اثر تعرفه بر واردات و صادرات در ایران

کمی نمودن اثر تعرفه بر متغیرهای واردات و صادرات، نشانگر شدت انگیزش محصول ملی در مقابل سیاستهای حمایتی می‌باشد. میزان کشش پذیری واردات نسبت به نرخ تعرفه، کارایی تعرفه را به

عنوان یک ابزار حمایتی در مجموعه سیاستهای بازرگانی مشخص می‌سازد. براساس فرضیه، با وضع تعرفه بر یک کالا، قیمت‌های وارداتی آن افزایش می‌یابد. این افزایش قیمت، بنا به کشش عرضه و تقاضای داخلی آن کالا، سبب کاهش تقاضای وارداتی و افزایش تولیدات داخلی می‌شود. هرچه این جایگزینی بیشتر باشد، تعرفه ابزاری مطلوبتر در تحقق استراتژی جایگزینی واردات خواهد بود. لکن اقتصاد دانان معتقدند محدود سازی تجاری سبب کاهش حجم تجارت جهانی می‌شود. هر گاه درآمد تولیدکنندگان از بابت صادرات کاهش یابد، تقاضای آنها برای صادرات دیگر کشورها نیز کاهش می‌یابد که در نهایت سبب محدودیت در صادرات کشور وضع کننده تعرفه نیز می‌گردد.

البته این نتیجه‌ای بلندمدت از محدود سازی تجاری است و بیشتر در مورد کشورهایی که دارای حجم بالایی از تجارت هستند صادق می‌باشد. در کشورهای درحال توسعه‌ای که حجم مهمی از واردات آنها را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، چنانچه نرخ تعرفه براساس افزایش نرخ موثر حمایت طراحی نشده باشد، افزایش محدود سازی تجاری و نرخ تعرفه می‌تواند منجر به کاهش ورود تکنولوژی برتر شده و در بلند مدت سبب اختلال در روند صنعتی شدن این کشورها گردد.

شد. با توجه به داده‌های در دسترس، میزان انگیزش واردات و صادرات نسبت به سیاستهای تعرفه‌ای مورد مطالعه قرار گرفت و بعد از آزمونهای مختلف، بهترین مدلها به شکل زیر انتخاب گردید:

$$(M_t) = A \cdot (G/P)_t^\alpha \cdot (P)_t^B \cdot (T)_t^\delta \cdot e^{ut}$$

$$(M_t) = A \cdot (R/P)_t^\alpha \cdot (P)_t^B \cdot (T)_t^\delta \cdot e^{ut}$$

$$(X_t) = A \cdot (G/P)_t^\alpha \cdot (GI)_t^B \cdot (T)_t^\delta \cdot e^{ut}$$

در این مطالعه متغیرها عبارت اند از:

M	ارزش کل واردات
X	ارزش کل صادرات غیرنفتی
R	درآمد ارزی کل کشور
P	جمعیت کل کشور
T	نرخ تعرفه
G	تولید ناخالص ملی
	شاخص تولید ناخالص داخلی کشورهای
GI	صنعتی
	ضرایب $\alpha$ ، $\beta$ و $\delta$ در معادله الف، به ترتیب عبارت‌اند از کشش واردات نسبت به تولید سرانه، جمعیت و نرخ تعرفه
	ضرایب $\alpha$ ، $\beta$ و $\delta$ در معادله (ب)، عبارت است از کشش واردات نسبت به درآمد ارزی سرانه، جمعیت، نرخ تعرفه.
	ضرایب $\alpha$ ، $\beta$ و $\delta$ در معادله (ج)، عبارت است از کشش صادرات نسبت به درآمد

کاربرد بی‌کششی واردات نسبت به تعرفه در سیاست بازرگانی این است که برای تحدید واردات تنها تعرفه کافی نیست، بلکه می‌باید از سایر سیاستهای غیر تعرفه‌ای نیز استفاده نمود.

برای کمی نمودن اثر سیاستهای حمایتی بر محصول ملی در ایران نیاز به شناخت متغیرهای متنوعی است و همچنین می‌باید میزان حمایت را در بخشهای مختلف اقتصادی، کمی نمود. با توجه به تنوع سیاستهای تحدید تجاری و عدم دسترسی به آمار و ارقام معتبر، این برآورد با مشکل مواجه می‌شود. به همین دلیل ما تا حدودی به ساده سازی روی آوردیم و از میان انواع سیاستهای حمایتی، تنها به اثر تعرفه بر محصول ملی پرداختیم. برای این آزمون از میان مدلهایی که ساختار حمایتی کشورهای در حال توسعه را مورد مطالعه قرار می‌دهند، مدل بلابالاس را انتخاب کردیم. این مدل در مورد نظام انگیزش و عملکرد واردات و صادرات توسط وی بکار گرفته شده است. در این برآورد آمارهای سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۸ را در مورد متغیرها در نظر گرفتیم.

برای محاسبه نرخ تعرفه از روش تقسیم کل مالیات دریافتی از کالاهای وارداتی (حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مابه‌التفاوت) بر ارزش کل واردات استفاده

ارزی، تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی، نرخ تعرفه و رابطه معادله.

اتو رگرسیون برای رفع خود همبستگی  
 $AR(1) =$

مقادیر داخل پرانتز، آماره  $t$  است، و حاکی از معنی دار بودن ضرایب  $X_1$  و  $X_3$  در سطح ۹۵ درصد به بالا می باشند. در این مدل، ضریب  $X_2$  در سطح اطمینان ۹۰ درصد در ناحیه عدم قبول قرارداد و عملاً تفاوت معنی داری با صفر ندارد. مقدار  $R_2$  مدل، بیانگر این است که متغیرهای مستقل توانسته اند حدود ۹۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره دورین واتسون<sup>(۱)</sup> در سطح قابل قبول و گویای عدم خود همبستگی در نتایج مدل می باشد. در این برآورد نرخ تعرفه

برآورد این توابع، به صورت تک معادله ای و خطی و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (O.L.S) انجام گرفت. برای رفع خود همبستگی از دستوره های  $AR(1)$  و  $MA(1)$  استفاده گردید. فرمهای غیرخطی نیز با استفاده از لگاریتم به صورت خطی تبدیل گردیدند. نتایج و تفسیر اقتصادی هریک از این برآوردها به شرح زیر می باشد:

$$Y_t = -3/0.29 = 0/24 D_t = 0/16 X_{1t} + 1/19 X_{2t} \\ (-0/26) \quad (1/7) \quad (2/87) \quad (1/11) \\ + 0/16 AR_{(1)} - 0/72 X_{3t} \\ (3/45) \quad (-4/32)$$

(ضریب  $X_3$ ) معنی دار و با علامت منفی ظاهر شده و منطبق بر نظریه ای است که نرخ تعرفه، اثر منفی بر سطح واردات دارد. کشش برآورد شده واردات نسبت به تعرفه، حدود  $0/72 -$  می باشد. بنابراین واردات نسبت به تعرفه، کم کشش می باشد و کاربرد این نتیجه در سیاستهای بازرگانی به این مفهوم است که برای تحدید واردات تنها سیاستهای تعرفه ای کافی نیست بلکه می باید از سایر سیاستهای غیر تعرفه ای نیز استفاده نمود.

$$N = 31 \quad (1338-68) \quad D.W = 2/21$$

$$R^2 = 0/97 \quad F = 183$$

متغیرهای معادله عبارت اند از:

$$Y_t = \text{Log}(M)$$

$$X_1 = \text{Log}(G/P)$$

$$X_2 = \text{Log}(P)$$

$$X_3 = \text{Log}(T)$$

$$0 \quad 1338-08$$

$$D = 1 \quad 1359-66 \quad \text{متغیر مجازی}$$

$$0 \quad 1367-68$$

ب:

با توجه به اینکه ساختار واردات ایران وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد و

(1): Durbin Watson (D.W).



این درآمد نیز نتیجه طبیعی فعالیتهای تولیدی و صادرات کالاهای صنعتی نیست، لذا به همین دلیل با نوسان قیمت نفت، واردات دچار تغییرات زیادی می‌گردد. به همین جهت برای برآورد بهتری از کشش واردات به تعرفه در مدل "ب" از متغیر درآمد ارزی به جای تولید ناخالص ملی استفاده گردید.

ظاهر گردیده است. کشش برآورد شده واردات نسبت به تعرفه، حدود ۰/۴۶- است. براین اساس هرگاه یک درصد نرخ تعرفه افزایش یابد تنها ۰/۴۶ درصد از واردات کاهش می‌یابد و این گویای کم کششی واردات نسبت به تعرفه در ساختار بازرگانی ایران می‌باشد.

ج:

$$Y_t = -0/04 D_t + 0/09 X_{1t} + 1/08 X_{2t} -$$

(۴/۶۴) (۲/۶۴) (۱۴)

$$0/13 X_{3t} + 0/85 MA_{(1)}$$

(-۱/۲۵) (۴/۲۱)

$$R^2 = 0/81 \quad D.W = 1/85 \quad F = 50/6$$

$$Y_t = \text{Log}(x)$$

$$X_{1t} = \text{Log}(G/P)$$

$$X_{2t} = \text{Log}(GI)$$

$$X_{3t} = \text{Log}(T)$$

$$M.A (1) =$$

برای رفع خود همبستگی

$$Y_t = -20/00 + 0/28 D_t + 0/45 X_{1t} + 0/67 X_{2t} -$$

0/14 (۳/۲۷) (۶/۱۶) (۶/۶۶)

$$-0/46 X_{3t} + 0/158 AR_{(1)}$$

(-۲/۶۶) (0/۶۳)

$$Y_t = \text{Log}(M)$$

$$X_1 = \text{Log}(R/P)$$

$$X_2 = \text{Log}(P)$$

$$X_3 = \text{Log}(T)$$

$$AR_{(1)} =$$

اتو رگرسیون برای رفع خود همبستگی

$$D.W = 1/96 \quad R^2 = 0/98 \quad F = 223$$

مدل (ج) تاثیر تعرفه‌های داخلی را بر صادرات غیر نفتی ایران مشخص می‌کند. مقادیر داخلی پراتنز، آماره T است و حاکی از معنی دار بودن ضرایب  $X_1$ ,  $X_2$ ,  $X_3$  و  $D_t$  و  $MA$  (1) در سطح بالاتر از ۹۰ درصد می‌باشد و متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۸۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره دورین واتسون در سطح قابل قبول، گویای عدم همبستگی در نتایج است. در این مدل کشش صادرات غیر نفتی به شاخص تولید

مقادیر داخلی پراتنز، آماره t است که گویای معنی دار بودن ضرایب  $X_1$ ,  $X_2$  و  $X_3$  در سطح بالاتر از ۹۰ درصد می‌باشد و متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۹۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره دورین واتسون در سطح قابل قبول، گویای عدم خود همبستگی در نتایج مدل می‌باشد. در این برآورد نرخ تعرفه (ضریب  $X_3$ ) معنی دار و با علامت منفی

گامی ابتدایی در شناخت چگونگی تأثیرپذیری اقتصاد ملی در مقابل سیاستهای حمایتی می‌باشد. یکی از مباحث عمده توسعه در کشورهای جهان سوم اتخاذ استراتژی سیاستهای حمایتی و یا به عبارتی جایگزینی واردات و یا آزاد سازی اقتصادی و گرایش به سوی استراتژی تشویق صادرات می‌باشد.

با نگرشی به تاریخ سیاستهای حمایتی در جهان، مشخص می‌گردد، که اغلب کشورهای، صنعتی در مرحله‌ای از توسعه اقتصادی این گونه سیاستها را اتخاذ کرده‌اند. روند تاریخی این سیاستها به مرکاتلیستها و در دوران پس از انقلاب صنعتی به نظریات اقتصاد دانانی چون: الکساندر هامیلتون (در ایالات متحده) و

---

**نرخ تعرفه متغیر معنی داری در توضیح تغییرات صادرات در ایران نمی‌باشد، دلیل این امر می‌تواند سهم اندک ایران در تجارت جهانی (کالاهای غیر نفتی) باشد.**

---

فردریک لیست (در آلمان) باز می‌گردد. این اقتصاددانان زمانی که انگلستان در قرن نوزدهم در اوج شکوفایی اقتصادی و مروج اقتصاد آزاد بود، برای رشد صنعتی کشورهایشان، نیاز شدیدی را به سیاستهای حمایتی احساس می‌کردند و با اتخاذ این گونه سیاستها بود که اقتصاد این کشورها به سوی رشد و بالندگی گام نهاد. بعد از جنگ

سیاستهای حمایتی و اثر آن بر متغیرهای اقتصادی ۳۱

ناخالص داخلی کشورهای صنعتی دارای کششی حدود ۱/۰۸ درصد است، در حالی که این کشش به تولید سرانه داخلی حدود ۰/۰۹ می‌باشد. ضریب نرخ تعرفه به دلیل پائین بودن آماره T معنی دار نیست و تفاوت معنی داری با صفر ندارد. بنابر این نرخ تعرفه، متغیر معنی داری در توضیح تغییرات صادرات غیر نفتی در ایران نمی‌باشد. دلیل این امر می‌تواند سهم اندک ایران در تجارت جهانی (کالاهای غیر نفتی) باشد. در کشورهایی که در تجارت جهانی قیمت پذیر هستند، نرخ تعرفه تأثیر زیادی بر صادرات اندک این کشورها ندارد؛ به عبارتی دیگر تغییر نرخ تعرفه عکس العمل سایر کشورها را به دنبال ندارد. علاوه بر این بخش مهمی از صادرات غیر نفتی در ایران را کالاهای غیر صنعتی تشکیل می‌دهد. به همین دلیل تعرفه‌های وارداتی که اغلب بر کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای صنعتی وضع می‌شوند. تأثیر زیادی بر نهادهای بخش کالاهای صادراتی غیر صنعتی ندارند و این می‌تواند دلیل دیگری بر معنی دار نبودن نرخ تعرفه بر صادرات غیر نفتی باشد.

### خلاصه و نتایج:

این گزارش تحت عنوان سیاستهای حمایتی و اثرات آن بر متغیرهای اقتصادی واردات و صادرات تهیه گردیده است، و

دوم جهانی و پیدایش بسیاری از کشورهای جهان سوم و قطب بندی کشورهای شمال و جنوب، بار دیگر اتخاذ سیاستهای حمایتی از سوی کشورهای صنعتی (بخصوص ایالات متحده) آغاز گردید و این بار بر شیوه‌های نوینی که اغلب بر پایه سیاستهای غیرتعرفه‌ای و ایجاد موانع صادراتی از قبیل: استانداردهای ویژه و محدود کننده، خودداری داوطلبانه از صادرات و... قرار داشت، استوار بود.

در این مقاله به سه مطالعه در زمینه بررسی ادبیات و مدل‌های بررسی کننده اثرات سیاستهای حمایتی اشاره گردیده است: نخستین مطالعه، مطالعات بالاسا در مورد ساختار حمایت در کشورهای منتخب در حال توسعه می‌باشد. مطالعه بعدی مربوط به سازمان آنکتاد است که بر ساختار حمایتی پنجاه کشور در حال توسعه انجام یافته است که در جای خود به مدلها و نتایج مطالعه، اشاره گردید. مطالعه سوم متعلق به دومینیک سالواتوره و هاتر است. آنها تلاش کرده‌اند، تا به این سؤال که برداشتن موانع تجاری و پیوستن به تجارت آزاد جهانی چه اثری بر روند توسعه اقتصادی این کشورها دارد، پاسخی مناسب دهند.

در قسمت دیگری از این مقاله روند سیاستهای حمایتی در ایران را مورد بحث قرار دادیم و به سیر تحول قانون و مقررات محدود سازی تجاری از سال ۱۳۰۹.ش تا اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای گذرا کردیم و به مقایسه‌ای بین نتایج این سیاستها در طی برنامه چهارم و پنجم عمرانی رژیم گذشته پرداختیم.

در قسمت پایانی، براساس مدل پیشنهادی بالاسا، آزمونی را بر روی اثر نرخ تعرفه بر صادرات و واردات انجام دادیم. برای این برآورد از اطلاعات سالهای ۱۳۳۸-۶۸ استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که ساختار واردات در ایران به درآمدهای ارزی وابستگی زیادی دارد. هرگاه در مدل واردات به جای متغیر تولید ناخالص ملی، درآمد ارزی را به عنوان متغیر توضیحی قرار دهیم، در این صورت واردات نسبت به نرخ تعرفه کم کشش می‌شود. در نتیجه در یک استراتژی جایگزینی واردات برای حمایت از تولیدات داخلی، نرخ تعرفه به تنهایی نمی‌تواند کارا باشد و باید از سایر سیاستهای بازرگانی نیز استفاده نمود.

جدول (۴): روند تغییرات جمعیت، تولید ناخالص ملی، درآمد ارزی و صادرات در ایران طی سالهای ۱۳۳۸-۶۹

سال/عنوان	جمعیت (هزار نفر)	تولید ناخالص ملی (میلیارد دلار)	درآمد ارزی (میلیون دلار)	صادرات غیر نفتی (میلیارد ریال)	صادرات کل (میلیارد ریال)
۱۳۳۸	۲۱۲۰۴	۲۹۴/۵	۵۱۰	۹/۹	۴۰/۷
۱۳۳۹	۲۱۸۱۷	۳۰۹/۰۷	۵۳۸	۹/۱	۴۳
۱۳۴۰	۲۲۴۴۴	۳۲۴/۰۵	۵۴۹	۹/۸	۴۵/۱
۱۳۴۱	۲۳۰۸۴	۳۴۲/۲۲	۵۶۹	۹/۴	۵۰/۶
۱۳۴۲	۲۳۷۳۹	۳۵۶/۴۶	۶۱۸	۱۰/۴	۵۶/۳
۱۳۴۳	۲۴۴۰۸	۳۸۸/۳۱	۷۰۱	۱۱/۵	۶۵/۳
۱۳۴۴	۲۵۰۹۱	۴۳۶/۱۵	۸۱۷	۱۳/۶	۷۳/۷
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۴۸۲/۱۱	۹۴۰	۱۱/۸	۸۰/۸
۱۳۴۶	۲۶۵۰۱	۵۳۵/۷۲	۱۱۷۵	۱۳/۶	۹۵/۸
۱۳۴۷	۲۷۲۲۸	۵۹۵/۹۸	۱۳۲۵	۱۶/۳	۱۱۰
۱۳۴۸	۲۷۹۷۰	۶۶۲/۱۱	۱۵۱۸	۱۸/۵	۱۲۹/۲
۱۳۴۹	۲۸۷۲۷	۷۳۱/۱۶	۱۶۹۰	۲۱/۸	۱۴۹/۴
۱۳۵۰	۲۹۴۹۹	۹۲۴	۲۷۳۳	۲۸/۹	۲۳۲/۳
۱۳۵۱	۳۰۲۸۶	۷۰۰	۳۳۳۷	۳۳/۶	۲۹۰/۸
۱۳۵۲	۳۱۰۸۹	۱۷۲۸	۶۲۰۰	۴۳/۴	۶۲۷
۱۳۵۳	۳۱۹۵۱	۳۰۱۵	۲۰۹۰۰	۳۹/۹	۱۴۵۲/۳
۱۳۵۴	۳۱۸۱۸	۳۳۶۴	۲۲۰۰۰	۴۱/۳	۱۴۰۵/۲
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۴۴۸۴	۲۴۴۰۰	۳۹/۱	۱۷۳۹/۲
۱۳۵۶	۳۴۷۳۶	۵۳۱۳	۲۵۶۰۰	۴۴	۱۶۹۶
۱۳۵۷	۳۶۰۷۷	۵۰۸۱	۲۲۷۰۰	۳۸/۱	۱۲۴۳
۱۳۵۸	۳۷۹۹۱	۶۲۱۷	۲۲۶۰۰	۵۷/۱	۱۷۰۰
۱۳۵۹	۳۹۶۴۶	۶۶۵۳	۱۴۲۰۰	۴۵/۹	۸۷۸
۱۳۶۰	۴۱۲۲۱	۸۰۴۶	۱۴۳۰۰	۲۷	۹۴۱/۸
۱۳۶۱	۴۲۸۰۰	۱۰۵۳۹	۲۱۵۰۰	۲۳/۸	۱۷۲۱
۱۳۶۲	۴۴۴۳۸	۱۳۳۷۱	۲۲۰۸۲	۳۱/۰۱	۱۸۷۰
۱۳۶۳	۴۶۲۰۱	۱۴۷۹۴	۱۷۹۴۷	۳۳	۱۵۶۳
۱۳۶۴	۴۷۸۰۷	۱۵۷۴۲	۱۵۸۴۷	۴۰/۸	۱۲۴۴
۱۳۶۵	۴۹۳۶۳	۱۶۲۰۶	۶۲۵۵	۷۰/۱	۵۴۹
۱۳۶۶	۵۰۹۹۵	۱۹۹۱۰	۱۰۷۵۵	۸۱/۱	۸۳۲
۱۳۶۷	۵۲۶۷۲	۲۲۱۹۱	۹۶۷۳	۷۱/۴	۶۰۶
۱۳۶۸	۵۴۵۰۴	۲۷۵۷۸	۱۲۰۳۷	۷۴/۷	۹۷۴/۸
۱۳۶۹	۵۶۴۰۱	۳۳۳۷۹	۱۷۰۴۷۱	۹۱/۲	۱۴۳۲/۷

منبع: (۱) - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حسابهای ملی ایران، ۱۳۵۳-۶۶/تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۰).

(۲) - گمرک ایران، جداول آمار مقدماتی صادرات و واردات سالهای مختلف.

(۳) - مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای مختلف.

(۴) - سازمان برنامه و بودجه، قانون بودجه کل کشور، سالهای مختلف.

جدول (۵): روند تغییرات واردات، حقوق و سود بازرگانی و مابه التفاوت در ایران

طی سالهای ۱۳۳۸-۶۹

سال / عنوان	واردات (میلیارد ریال)	حقوق و سود بازرگانی (میلیارد ریال)	مابه التفاوت (میلیارد ریال)	توسط نرخ تعرفه درصد
۱۳۳۸	-	۸/۸۹	.	-
۱۳۳۹	۵۲/۶۵	۸/۹۶	.	۱۷
۱۳۴۰	۴۷/۲	۷/۷۶	.	۱۶/۴
۱۳۴۱	۴۱/۹	۷/۵۹	.	۱۸
۱۳۴۲	۳۹/۲۸	۸/۹۲	.	۲۲/۷
۱۳۴۳	۵۶/۷۸	۱۰/۱۸	.	۱۹
۱۳۴۴	۶۶/۵	۱۱/۸۱	.	۱۷/۷
۱۳۴۵	۷۳/۶۴	۱۳/۸۹	.	۱۸/۷
۱۳۴۶	۹۰/۴	۱۵/۶۶	.	۱۷/۲
۱۳۴۷	۱۰۶/۷۳	۱۸/۲۵	.	۱۷
۱۳۴۸	۱۱۵/۵۶	۱۹/۴۷	.	۱۶/۸
۱۳۴۹	۱۲۸/۳۶	۲۱/۹۷	.	۱۷/۱
۱۳۵۰	۱۵۷/۶۵	۲۳/۱۴	.	۱۴/۶
۱۳۵۱	۱۹۳/۶۵	۲۹/۱۸	.	۱۵
۱۳۵۲	۲۵۳/۱۹	۳۸/۸۹	.	۱۵/۳
۱۳۵۳	۴۴۸/۰۷	۵۵/۵۵	.	۱۳
۱۳۵۴	۸۰۰/۸	۵۹/۲۳	.	۷
۱۳۵۵	۹۰۱/۷۶	۷۸/۴۸	.	۸/۷
۱۳۵۶	۱۰۳۴/۲	۱۰۵/۹۷	۳/۲۴	۱۰/۵
۱۳۵۷	۷۳۲/۲۹	۱۴۷/۸۴	۸/۱۱۳	۲۱
۱۳۵۸	۶۸۴/۴۹	۱۰۴/۶۸	۶/۸۶	۱۶
۱۳۵۹	۷۷۶/۸۴	۹۵/۷۵	۱۱/۵۷	۱۳/۸
۱۳۶۰	۱۰۸۱/۹۵	۱۵۲/۰۹	۱۰/۴۶	۱۵
۱۳۶۱	۱۰۰۲/۳	۱۵۵/۲۱	۱۵/۷۲	۱۷
۱۳۶۲	۱۵۸۲/۷	۲۶۸/۴۴	۵۹	۲۰/۶
۱۳۶۳	۱۳۳۲/۶	۲۷۵/۵۷	۸۴/۷	۲۷
۱۳۶۴	۱۰۵۸/۳۴	۲۲۴/۳۲	۹۷/۶	۳۰/۴
۱۳۶۵	۷۲۰/۶۹	۱۹۴/۹۵	۱۳۰	۴۵
۱۳۶۶	۷۹۹/۵	۱۵۲/۸۹	۱۶۷	۴۸/۵
۱۳۶۷	۵۶۷/۹۲	۱۰۷/۲۵	۱۵۵/۲	۴۶
۱۳۶۸	۹۲۷/۲	۱۶۰/۹۲	۲۰۵/۸	۳۴
۱۳۶۹	۱۲۶۱/۶۵	۲۷۶/۲۷	۴۱۷/۱	۵۲

مأخذ: همان.

جدول (۶): متوسط سالانه گروههای شاخص بهای کالاهای وارداتی و صادراتی

شاخص قیمت کالاهای صادراتی	شاخص کالاهای وارداتی	سال
۱۶/۵	۴۸/۵	۱۳۳۸
۱۵/۹	۴۹	۱۳۳۹
۱۴/۹	۴۹/۵	۱۳۴۰
۱۴/۷	۴۹	۱۳۴۱
۱۴/۸	۴۹/۵	۱۳۴۲
۱۵/۴	۵۰/۵	۱۳۴۳
۱۵	۵۱	۱۳۴۴
۱۴/۸	۵۲/۵	۱۳۴۵
۱۵	۵۲/۵	۱۳۴۶
۱۵/۲	۵۲	۱۳۴۷
۱۴/۹	۵۴	۱۳۴۸
۱۵/۳	۵۶/۹	۱۳۴۹
۲۰/۴	۵۹/۹	۱۳۵۰
۲۲/۲	۶۴/۹	۱۳۵۱
۴۲/۸	۷۰/۳	۱۳۵۲
۱۰۰	۱۰۰	۱۳۵۳
۱۰۲/۵	۱۰۴	۱۳۵۴
۱۲۵/۲	۱۱۰/۷	۱۳۵۵
۱۴-/۵	۱۲۴/۱	۱۳۵۶
۱۴۵/۲	۱۳۷/۹	۱۳۵۷
۱۸۱/۶	۱۵۷/۷	۱۳۵۸
۲۳۳/۹	۱۹۱/۸	۱۳۵۹
۲۷۸/۱	۲۱۱/۹	۱۳۶۰
۳۲۴/۳	۲۳۴/۶	۱۳۶۱
۳۵۴/۱	۲۵۴/۵	۱۳۶۲
۴۰۰/۸	۲۶۵/۲	۱۳۶۳
۵۶۷/۱	۲۸۶/۱۵	۱۳۶۴
۱۶۹۴/۵	۳۷۰/۲۷	۱۳۶۵
۳۵۲۲/۹	۴۹۲/۰۸	۱۳۶۶
۳۷۴۸/۳	۶۱۳/۶۲	۱۳۶۷
۳۹۱۶/۹	۶۹۴/۶	۱۳۶۸

## فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - فرزانه پور، غلامرضا. **اتحادیه اقتصادی اروپا و سیاست بازرگانی خارجی ایران**، تهران: مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۱.
- ۲ - بلاسا، بلا. **استراتژیهای توسعه در کشورهای نیمه صنعتی**، ترجمه محمد علی حقی. تهران: انتشارات وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۳۸.
- ۳ - سازمان برنامه و بودجه. **استراتژیهای درونگرا و برونگرا**، ترجمه کورس صدیقی. **گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی**، سال هشتم، شماره ۸ آبان ۱۳۷۰.
- ۴ - اخوی، احمد. **اقتصاد کلان کاربردی**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱.
- ۵ - تقوی، مهدی. **تجارت بین الملل**. تهران: انتشارات پیشبرد، ۱۳۶۶.
- ۶ - سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان. **ساختار بازرگانی خارجی ایران و سیاستهای تعدیل اقتصادی**، تهران: سازمان برنامه و بودجه، آذر ماه ۱۳۶۷.
- ۷ - گمرک ایران. **سالنامه آماری بازرگانی خارجی سالهای مختلف**، تهران: گمرک ایران، سالهای مختلف.
- ۸ - مرکز آمار ایران. **سالنامه آماری سالهای مختلف**. تهران: مرکز آمار ایران سالهای مختلف.
- ۹ - فرزانه پور، غلامرضا، **سیر تحولات ارزی ایران**، تهران: مدرسه عالی بازرگانی اسفند، ۱۳۵۱.
- ۱۰ - سازمان برنامه و بودجه، **لایحه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی ایران** (۷۲-۱۳۶۸)، پوست شماره (۱).
- ۱۱ - موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، **"شمای کلی حمایت در کشورهای در حال توسعه"** ترجمه محمد رضا رفعتی، **ماهنامه بررسیهای بازرگانی**، شماره ۷ اسفند ۱۳۷۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع لاتین

1- UNCTAD, **Monthly Comodity Bulletin 1989**. Geneva, U.N. , Nov, 1989.